

دوشنبه ۲ شهریور۱۴۰۵ وطن امروز شماره ۴۶۹۲	
 ایران 	
اخبار	

قدردانی فرستاده ویژه رهبر انقلاب اسلامی از دولت و ملت عراق

فرستاده ویژه رهبر انقلاب اسلامی از دولت و ملت عراق برای مشارکت در مراسم تشییع پيشواى شهيد امتِ قدردانى كرد. به گزارش تسنيم، قالح الفیاض، رئيس سازمان خشد شعبی عراق از هیات اعزامی از سوی حضرت آیتالله سیدمجتبی خامنه‌ای استقبال کرد. بر اساس گزارش رسانه‌های عراق، هیات ایرانی در این دیدار اسامی و مواضع رسمی و مردمی عراق و ابراز همدردی و وفاداری ملت عراق در سوگ فقدان رهبر شهید انقلاب اسلامی تجلیل کرد.در این دیدار،قالح الفیاض و فرماندهان خشد شعبی ضمن ابراز تسلیت مجدد، بر تداوم روابط راهبردی و پیوندهای مستحکم میان عراق و ایران تأکید کردند.

■ ■ ■

اسلامی:

فناوری هسته‌ای ایران به ۱.۵ میلیون بیمار خدمات ارائه می‌کند

رئیس سازمان انرژی اتمی بیان کرد: هم‌اکنون ۱٫۵ میلیون بیمار از خدمات هسته‌ای در پزشکی استفاده می‌کنند. به گزارش تسنیم، محمد اسلامی دیروز در آیین بزرگداشت روز پزشک در صنعت هسته‌ای درباره تجاوزات دشمن به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران گفت:نخستین هدفی که در عملیات‌ها از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی مورد حمله موشکی و بمباران قرار گرفت، کارخانه تولید سوخت صفحاتی در سایت اسفهان بود. این کارخانه‌ای است که سوخت مورد نیاز رآکتور تهران را تأمین می‌کند. رآکتور تهران تحقیقاتی است و عمدتاً برای پژوهش و کارهای تولید مربوط به رادیوداروها مورد استفاده قرار می‌گیرد. وی افزود: در مجتمه خنداب خط تولید اکسیژن ۱۸ را هدف قرار دادند که مواد مورد نیاز «پتاسکن‌ها» است. این نماد شفاف و عریان نفکرت دشمنان ایران است، چرا که آنان دقیقاً دانش و دستاوردهایی را هدف تهاجم قرار داده‌اند که مستقیماً با بهداشت و سلامت مردم در ارتباط است. اسلامی ادامه داد: هم‌اکنون سالانه بیش از ۱٫۵ میلیون بیمار در سراسر کشور از محصولات تشخیصی و درمانی سازمان انرژی اتمی استفاده می‌کنند و این فراورده‌ها به کشورهای گوناگون نیز صادر می‌شود.

نگاه

ترس از روایت ایران

ادامه از صفحه اول

نظرسنجی‌ها و تحقیقات میدانی در آمریکا و کشورهای اروپائشان می‌دهد:رسانه‌های وابسته به جریان سلطه، قدرت خلق تصاویر مخدوش و انحرافی از ایران قدرتمند را در دست داده‌اند و حمایت آنها از جنگ سوم تحمیلی علیه ایران،ویژند ملی کشورهای متخاصم را نزد شهروندان شان نیز منززل کرده است. نقش دستگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تحقق این روند غیرقابل انکار است. ابراز همدردی گسترده شهروندان اروپا با ملت مظلوم اما غیور و مقاوم ایران از یک سو و تبلور خشم و نفرت تصاعدی آنها از رویکرد ضد حقوق بشری حکمرانان شان، جایی برای «روایت‌سازی وارونه از ایران» برای صاحبان تزویر و سلطه باقی نگذاشته‌است.بنابراین اخراج از پیش تعیین‌شده رابزین فرهنگی کشورمان در پاریس جای تعجب ندارد! در اینجا قاعده‌ای کلان وجود دارد که باید نسبت به آن توجه ویژه مبذول داشت. هنگامی که یک کشور در معرض «تصویرسازی منفی هدایت‌شده» یا بازنمایی کلیشه‌ای قرار می‌گیرد، هزینه‌های مبادلات بین‌المللی آن افزایش می‌یابد؛از کاهش سرمایه‌گذار خارجی و افت صنعت گردشگری گرفته تا کاهش قدرت چانه‌زنی در مذاکرات و تسهیل اعمال فشارهای بین‌المللی. در چنین فضایی، دیپلماسی فرهنگی ابزاری حیاتی برای خنثی‌سازی این کلیشه‌ها و بازتعریف چهره واقعی یک‌تمدن باملت محسوب می‌شود.غرب در طول سال‌های گذشته و خصوصاً سال‌های اخیر، سعی در خلاصه کردن تاریخ، فرهنگ و پویایی ملت معتقد و مقاوم ایران در چند گزاره خبری محدود، رخدادهای مقطعی یا اخبار بحران‌محور از کشورمان داشته است. روش دیگر غرب در این باره، معطوف به اصل «غیریت‌سازی» بوده است. مفهوم غیریت‌سازی در معادلات دنیای بسیار پیچیده است. در یک تعریف کلی، این مفهوم به معنای ترسیم یک ملت به عنوان هویتی ناسازگار با هنجارهای خودخوانده و مجعول جهانی و توصیف مستمر آن به مثابه یک شخصیت اجتماعی تهدیدآمیز یا فاقد دستاوردهای تمدنی، دینی، اخلاقی و انسانی است. در این میان حاکمیت غول‌های رسانه‌ای دشمن بر جریان اطلاعات، مانع رسیدن صداها و ظرفیت‌های اصیل بومی ایران اسلامی به گوش افکار عمومی جهان می‌شود. در چنین رویکرد ناصوابی، دستاوردهای برجسته علمی، صنعتی و فرهنگی کشور در سایه ابرهای تیره تبلیغاتی عمده‌اند نادیده انگاشته شده و تصاویر نفرت‌انگیز جایگزین واقعیت می‌شود. دیپلماسی فرهنگی صرفاً در برگزاری نمایشگاه‌هنری یا تبادل تشریفاتی هیئت‌ها مصداق نمی‌یابد، بلکه کارآمدترین کانال فعال‌سازی قدرت نرم کشور عزیزمان در آن سوی مرزهاست. این نوع دیپلماسی موانع رسمی و سانسورهای رسانه‌ای را دور می‌زند و تجربه‌ای ملموس و بی‌واسطه به مخاطب خارجی ارائه می‌کند. فرهنگ اصیل ایرانی به جای تحمیل خود (دقیقا) مانند آنچه در غرب شاهدیم) احترام می‌بخشد و هیئت‌های و انگیزه برای تعامل مثبت را برمی‌انگیزد. در نظام بین‌الملل کنونی، قدرت سخت و منابع اقتصادی بدون تکیه بر سرمایه نمادین و تصویر بی‌معتبر، کامل نخواهد بود. دیپلماسی فرهنگی نه ابزاری تزئینی بلکه یک «سرب دفاعی مستحکم در آن سوی مرزها» و «پیشران توسعه ملی کشور» است. این همان رسالت غلظیمی است که سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به عنوان قرارگاه اصلی دیپلماسی فرهنگی بر عهده دارد و با قدرت آن را طی می‌کند. همین گزاره، از خشم دشمنان تریه به‌عملکرد درازن‌رزان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نمایندگی‌های خارج از کشور رمزگشایی می‌کند.

«مشاور رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

روایت دبیر شورای عالی امنیت ملی از راهبردهای ایران در قبال آمریکا و کشورهای منطقه

قواعد جدید



■ وحدت: حلقه مهم زنجیره امنیت ملی

در بخش دیگری از گفت‌وگوی تلویزیونی، رضایی مساله وحدت داخلی را به عنوان یکی از مهم‌ترین الزامات عبور از مرحله پس از جنگ مطرح کرد. از آنجا که دشمن پس از تجربه نظامی، روی فشار اقتصادی و ایجاد شکاف اجتماعی حساب خواهد کرد، نقد و مطالبه‌گری باید باقی بماند اما نباید اختلاف نظر‌ها به تخریب و تفرقه تبدیل شود. به بیان دیگر، وحدت به معنای حذف نقد نیست، بلکه به معنای جلوگیری از تبدیل اختلافات سیاسی و اجتماعی به شکافی است که بتواند در شرایط فشار خارجی مورد بهر‌مرداری قرار گیرد.

■ ایران جدید؛ قدرت نظامی، دیپلماسی فعال و اقتصاد مقاوم

مجموع سخنان دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان را می‌توان در چارچوب تصویری بزرگ‌تر از «ایران پس از جنگ» فهم کرد؛ ایرانی که باید همزمان در ۳ میدان حرکت کند: میدان نظامی، میدان دیپلماسی و میدان اقتصاد.

در میدان نظامی، تجربه جنگ رمضان و البته جنگ ۱۲ روزه موجب تکامل راهبرد دفاعی شده است. در میدان دیپلماسی، دیگر قرار نیست وعده‌های طرف مقابل معیار قضاوت باشد و «عمل» طرف مقابل اهمیت اصلی را پیدا کرده است. در میدان اقتصادی نیزِ ایران باید از حالت دفاعی خارج شود و ظرفیت مردم و بخش خصوصی را برای مقابله با فشارهای خارجی فعال کند. مهم‌ترین پیام گفت‌وگوی رضایی شاید همین باشد که جنگ برای جمهوری اسلامی صرفاً یک رخداد نظامی پایان‌یافته نیست، بلکه نقطه‌ای برای بازتعریف مجموعه‌ای از سیاست‌هاست. ایران پس از جنگ، در روایت دبیر شورای عالی امنیت ملی، قرار نیست همان شیوه پیش از جنگ را ادامه دهد؛ نه در دیپلماسی، نه در اقتصاد و نه در مناسبات امنیتی منطقه.

تنگه هرمز همچنان یک اهرم مهم باقی می‌ماند اما در کنار آن، دیپلماسی منطقه‌ای، رابطه با کشورهای اسلامی، اقتصاد داخلی و انسجام اجتماعی نیز بخشی از قدرت ملی محسوب می‌شود.

پیام به آمریکا نیز روشن است: ایران در مذاکرات، دیگر به حرف اکتفا نمی‌کند؛ حاضر به پایان جنگ است اما نه به قیمت نادیده گرفتن حقوق خود؛ حاضر به همکاری منطقه‌ای نیست اما نه در قالبی که امنیت آن به دیگران واگذار شود.

و عمان و مساله اصلی بازگشایی تنگه هرمز تفکیک قائل شود. او گفت مذاکرات ایران و عمان درباره مسیر عبور و مرور تجاری به‌خوبی پیش رفته و طرفین بر سر یک مسیر میانی به توافق رسیده‌اند اما این توافق به خودی خود به معنای باز شدن تنگه نیست.

به گفته دبیر شورای عالی امنیت ملی، ایران می‌تواند با عمان در زمینه تجارت و کریدور عبور و مرور همکاری کند اما مدیریت امنیتی تنگه مساله‌ای جداگانه است که تهران نمی‌تواند از آن صرف نظر کند. به همین دلیل، حتی در صورت نهایی شدن توافق با عمان، تصمیم درباره باز شدن تنگه همچنان به مجموعه شروطی بستگی دارد که ایران برای آمریکا تعیین کرده است.

■ پیمان مکه و نگاه ایران

بخش دیگری از سخنان سرلشکر رضایی به تحولات جدید در مناسبات منطقه‌ای و به طور مشخص پیمانی اختصاص داشت که میان عربستان، ترکیه و پاکستان شکل گرفته است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی در این باره گفت: «برادران ما در پاکستان، ترکیه و عربستان آمدند پیمانی درست کردند اما برای چه؟ چون آمریکا به آنها گفت خداحافظ! ما داریم می‌رویم». یعنی شکل‌گیری این پیمان را نمی‌توان جدا از آشکار شدن «ضعف آمریکا در منطقه» پس از جنگ ضد ایران دانست.

رضایی البته تأکید کرد جمهوری اسلامی ایران با اصل ایجاد ترتیبات و اتحادیه‌ای منطقه‌ای مخالف نیست. برعکس، بیش از همه از وحدت جهان اسلام دفاع کرده و همچنان از هر نوع اتحادی که در منطقه شکل بگیرد و همه کشورهای منطقه در آن مشارکت داشته باشند، حمایت خواهد کرد. به این ترتیب، مساله اصلی، اصل پیمان یا همکاری منطقه‌ای نیست، بلکه این است که چنین ترتیباتی چگونگی، در حضور چه کشورهایی و بر اساس چه اسنادی شکل می‌گیرد.

به گفته دبیر ششورای عالی امنیت ملی، «ایران و مصر نمی‌توانند در چنین پیمان‌هایی نباشند» یعنی هر سازوکار امنیتی که قرار است با عنوان همکاری جهان اسلام یا امنیت منطقه‌ای شکل بگیرد، بدون حضور ایران نمی‌تواند یک ساختار کامل و فراگیر تلقی شود.

وی گفت: «ما باید به عنوان مؤسس و کسانی که سند را امضا می‌کنند، مشارکت داده شویم، نه اینکه عده‌ای از دوست‌ها ما بیایند بگویند یک پیمان درست کردیم؛ شما هم آن را تأیید کنید!»

حفره در تاریکخانه

با آینده حرفه‌ای روشنی ندارد، لزوماً جالسوس نیست امام‌مکن است در برابر پیشنهادهای مالی یا حرفه‌ای جذاب آسیب‌پذیر تر شود. یک افسر اطلاعاتی که سال‌ها در مناطق خطرناک خدمت کرده، بدون امکان انتشار عمومی سوابق کاری خود و با محدودیت‌های شغلی پس از بازنشستگی، انتظار دارد حداقل مزایای قانونی‌اش بدون تأخیر دریافت شود. وقتی این پرداخت‌ها ماه‌ها عقب می‌افتد، پیام سازمانی خطرناکی ارسال می‌شود: وفاداری طولانی‌مدت الزاماً با حمایت نهادی همراه نیست. البته نباید در این موضوع اغراق کرد. تأخیر در پرداخت مستمری به خودی خود به معنای فروپاشی امنیتی یا نفوذ گسترده چین و روسیه نیست. همچنین بیشتر افسران بازنشسته ساحتاً احتمالاً همچنان به تعهدات امنیتی و حرفه‌ای خود پایبند خواهند ماند اما در عرصه ضدجاسوسی، دولت‌ها نباید منتظر وقوع بحران بمانند تا آسیب‌پذیری را جدی بگیرند. وظیفه دستگاه امنیتی، پیشگیری از فرصت‌هایی است که رقیب می‌تواند از آنها استفاده کند.

در نهایت، خطر واقعی این نیست که چند صد یا ۱۰۰۰ نفر از سیا بازنشسته شوند، خطر آن است که آمریکا در فرآیند این خروج، رابطه خود با سرمایه انسانی اطلاعاتی‌اش را از دست می‌دهد. چین و روسیه و سایر کشورها و بازیگران برای ساختن یک افسر اطلاعاتی آمریکایی هزینه‌ای نکرده‌اند اما می‌توانند از اشتباهات

■ سلسله پیوسته ناکامی‌های ترامپ

این بحران را باید در چارچوب گسترده‌تر سلسله خطاها و

هزینه ایجاد کند.

دبیر شورای عالی امنیت ملی هشدار می‌دهد که برای متحندان و شرکای منطقه‌ای آمریکا داشت: «اگر کشورهایی در کنار آمریکا وارد روند محدودیت اقتصادی علیه ایران شوند، تهران ابتدا با آنها مذاکره خواهد کرد و تلاش می‌کند آنها را از آمریکا جدا کند اما اگر این کشورها پس از دریافت فرصت و هشدار، همچنان به همکاری ادامه دهند، منافع آنها هدف قرار خواهد گرفت». همچنین «اگر کشوری بخواهد به دلیل همراهی با آمریکا از تأمین نیازهای ایران جلوگیری کند، تهران نیز اجازه نخواهد داد منافع اقتصادی آن کشور بدون هزینه باقی بماند.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی تأکید کرد: «اگر کشورهای منطقه در چنین روندی مشارکت کنند، مساله تنها به تنگه هرمز محدود نخواهد شد و مسیرهای دیگری که نفت خلیج فارس از آنها صادر می‌شود نیز می‌تواند در معرض فشار قرار گیرد.»

■ بوی تغییر در دیپلماسی به مشام می‌رسد

بخش دیگری از سخنان دبیر شورای عالی امنیت ملی به بازتعریف رابطه ایران با آمریکا اختصاص داشت. وی با اشاره به مذاکرات گذشته و بدعهدی‌های آمریکا بیان کرد: روش ایران تغییر کرده است. در این نگاه، اصل مذاکره کنار گذاشته نشده اما مذاکره دیگر به معنای انتظار برای تحقق وعده‌های طرف مقابل نیست. ایران نیاز دارد بعد از چندین‌بار مذاکره و بدعهدی آمریکایی‌ها در رفتار دیپلماتیک خود با دنیا اصلاحاتی انجام دهد.

رضایی درباره شروط باز شدن تنگه هرمز نیز تصریح کرد: شروط ایران پیش از این اعلام و از طریق وزیر امور خارجه کشورمان به آمریکایی‌ها منتقل شده است. بخشی از این شروط همان مواردی است که پیش‌تر در چارچوب تفاهات مطرح شده بود و بخشی نیز فراتر از تفاهنامه است. این تغییر در رفتار دیپلماتیک، نتیجه تجربه‌ای است که ایران از مذاکرات و توافقات گذشته به دست آورده است. بنابراین دیپلماسی آینده باید در کنار مذاکره، بر ضمانت عملی رفتار طرف مقابل نیز تکیه داشته باشد.

■ تنگه هرمز؛ اهرم امنیتی و اقتصادی ایران

هیچ موضوعی به اندازه تنگه هرمز در سخنان رضایی برجسته نبود؛ اینکه بر خلاف ادعاهای طرف آمریکایی، «تنگه هرمز بسته است». این موضع در شرایطی مطرح شد که مذاکرات ایران و عمان برای تعیین مسیر عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه ادامه دارد.

رضایی در عین حال تلاش کرد میان مذاکرات ایران

نماینده رهبر انقلاب اسلامی در شورای عالی امنیت ملی و دبیر شورا در نخستین اظهارات مشروح خود درباره شرایط کشور، تصویری از ایران جدید ارائه کرد؛ ایرانی که دیگر ایران پیش از جنگ نیست و تجربه رویارویی نظامی، مذاکره و بدعهدی آمریکا، محاصره اقتصادی و دریایی و تحولات تازه منطقه‌ای، محاسبات امنیتی و دیپلماتیک آن را تغییر داده است. سردار سرلشکر محسن رضایی در گفت‌وگوی ویژه تلویزیونی خود، از تغییر در راهبرد دفاعی، اصلاح رفتار دیپلماتیک، مقابله با جنگ اقتصادی آمریکا، وضعیت تنگه هرمز، رابطه با کشورهای منطقه و ضرورت حفظ وحدت داخلی سخن گفت؛ مجموعه‌ای از مواضع که در کنار یکدیگر، تصویری از رویکردی تازه در سیاست امنیت ملی جمهوری اسلامی را ترسیم می‌کند.

■ ایران پس از جنگ: کشور ی با محاسبات جدید

رضایی سخنان خود را با یک گزاره کلیدی آغاز کرد: «ایران امروز ایران قبل از جنگ نیست». این جمله، در واقع چارچوب اصلی سخنان او بود. از نگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی، جنگ فقط موازنه نظامی میان ایران و آمریکا را تغییر نداده، بلکه تصویری که ایران از آمریکا، آمریکا از ایران و کشورهای منطقه از هر ۲ طرف این رویارویی دارند نیز دستخوش تغییر شده است.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا انتصابش به معنای تغییر راهبرد دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی است، از «تکامل» سخن گفت؛ یعنی «تحولاتی که از جنگ ۱۲ روزه آغاز شده و در ادامه با تجربه جنگ ۴۰ روزه، مذاکره، آتش‌بس و محاصره اقتصادی و دریایی، ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است». بنابراین از نگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی، مساله فقط جابه‌جایی افراد در ساختار امنیتی نیست، بلکه قرار است تجربه جنگ به اصلاح شیوه اداره جنگ، دیپلماسی، اقتصاد و حتی مناسبات سیاسی و اجتماعی کشور منجر شود.

در چنین تصویری، دیپلماسی دیگر نمی‌تواند بر همان مبنای گذشته ادامه پیدا کند. رضایی به صراحت اظهار کرد: ایران پس از چند دور مذاکره و تجربه بدعهدی آمریکا دیگر نمی‌تواند صرفاً به وعده‌های طرف مقابل تکیه کند. از این‌ پس، معیار اصلی نه حرف، بلکه عمل خواهد بود. شاید مهم‌ترین تغییر مورد اشاره دبیر شورای عالی امنیت ملی در عرصه دیپلماتیک همین باشد. این جمله در واقع خلاصه تجربه‌ای است که تهران از مذاکرات گذشته برای خود تعریف می‌کند: توافق، آتش‌بس و تفاهم زمانی ارزش دارد که به اقدام عملی طرف مقابل منجر شود.

بر همین اساس، رضایی درباره باز شدن تنگه هرمز نیز همین منطق را به کار گرفت. به گفته وی، «شروط ایران از قبل اعلام شده و طرف آمریکایی آنها را می‌داند. بنابراین بازگشایی تنگه صرفاً با وعده یا اعلام آمادگی آمریکا اتفاق نخواهد افتاد و واشنگتن باید در عمل به تعهدات خود پایبند باشد.»

■ جنگ اقتصادی؛ مرحله تازه رویارویی

دبیر شورای عالی امنیت ملی، جنگ اقتصادی را مرحله جدیدی از رویارویی آمریکا با ایران دانست، چرا که ایالات متحده پس از تجربه جنگ نظامی ناموفق علیه ایران، تلاش می‌کند از طریق فشار اقتصادی و ایجاد ناراضیاتی داخلی، همان اهدافی را دنبال کند که در میدان نظامی به آنها دست نیافت.

رضایی تأکید کرد ایران برای مقابله با جنگ اقتصادی آمریکا برنامه دارد و قرار نیست در برابر فشارهای اقتصادی منفعل بماند.

وی با اشاره به سال‌ها تحریم اقتصادی علیه ایران گفت جمهوری اسلامی در طول این سال‌ها تنها تجربه مقابله با تحریم را به دست آورده، بلکه راه‌های عبور از محدودیت‌های اقتصادی را نیز آموخته است. او درباره شرایط محاصره دریایی گفت ایران در ماه‌های گذشته نیز توانسته نفت خود را صادر کند.

اما اهمیت سخنان رضایی بیش از آنکه صرفاً در توصیف توان ایران برای دور زدن تحریم‌ها باشد، در ترسیم نوع پاسخ احتمالی جمهوری اسلامی به جنگ اقتصادی آمریکا بود. اینکه «تاکنون ایران عمدتاً پایگاه‌های نظامی آمریکا را هدف قرار داده و به منافع اقتصادی آن حمله نکرده اما اگر واشنگتن جنگ اقتصادی را علیه ایران دنبال کند، این وضعیت می‌تواند تغییر کند. آمریکا شرکت‌ها و منافع اقتصادی متعددی در اطراف ایران و دیگر نقاط دارد، بنابراین جنگ اقتصادی می‌تواند برای خود آمریکا نیز



خود جزئیات بسیاری از فعالیت‌های‌شان را بنویسند، نمی‌توانند بسیاری از مأموریت‌های گذشته‌شان را توضیح دهند و برای برخی مشاغل نیز پس از بازنشستگی محدودیت‌های قانونی دارند بنابراین تأخیر چند ماهه در پرداخت حقوق بازنشستگی برای یک کارمند عادی دولت شاید یک مشکل مالی جدی باشد اما برای یک افسر اطلاعاتی سابق می‌تواند او را در موقعیتی قرار دهد که به دنبال منابع در آمدی جایگزین و سریع‌تر بگردد.

در اینجا موضوع از یک بحران اداری به یک مساله ضدجاسوسی تبدیل می‌شود. یکی از مقام‌های سابق سیا هشدار داده این وضعیت می‌تواند «یک خطر عظیم ضدجاسوسی» ایجاد کند. دلیل روشن است: کارکنان سابق اطلاعاتی، بر خلاف بسیاری از بازنشستگان دولت، با خود مجموعه‌ای از دانش، تجربه و مهارت‌های بسیار ارزشمند را حمل می‌کنند. حتی اگر آنان به لحاظ قانونی ممنوع از روش‌های حمل می‌کنند، آشنایی با ساختارهای سازمانی، مواضع به حفظ اسرار باشند، آشنایی با ساختارهای سازمانی، روش‌های عملیاتی، الگوهای تصمیم‌گیری، شیوه‌های جذب منابع، نقاط قوت و ضعف سیستم‌های امنیتی و فرهنگ سازمانی می‌تواند برای سرویس‌های اطلاعاتی رقیب و حتی دوست ارزش